

دو ماهنامه دانشجویی حماسه - شماره چهارم
جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)



زندگی یک دانشجوی خارجی در ایران
جایگاه دختران در آیات و روایات
فردای دخترانه
آخر ترمی

حماسه ای به وسعت اقیانوس های کره خاکی

شناسنامه

دو ماهنامه دانشجویی حماسه - سال نهم -
شماره چهارم - اردیبهشت و خرداد ماه

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول:

معصومه احمدی

سردبیر:

مهتا سادات طباطبایی

گرافیکست:

مسلم خلخال - @moslem_khalkhal

هیئت تحریریه:

زهرا شکری - نرجس رضوانی نیا - فاطمه قدکچی -
نور زهرا بلوچ



فهرست

- ۳..... حماسه‌ای به وسعت اقیانوس‌های کره خاکی
- ۵..... فردای دخترونه
- ۷..... جایگاه دختران در آیات و روایات
- ۹..... زندگی یک دانشجوی خارجی در ایران
- ۱۱..... آخر ترمی



حماسه‌ای به وسعت اقیانوس‌های کره خاکی

کننده در بخش شمال خلیج فارس گفته بود که شنیدن خبر واقعه ۷ آذر و عملیات مروارید و کسب پیروزی قاطع ایرانی‌ها در این عملیات، بدترین خبر در طول زندگی وی بوده است.

طی دوازده ساعت عملیات مروارید که از سپیده دم ۷ آذر سال ۱۳۵۹ شروع شد، کارکنان غیور ناوچه موشک انداز «پیکان» و نیروهای تفنگدار و تکاور ایران ضمن سرنگون کردن دو فروند بالگرد و یک فروند از جنگنده‌های میگ عراقی به پشتیبانی نیروی هوایی ارتش توانستند، بیش از ۹۰ درصد از یگانها و نیروهای پشتیبانی کننده ناوگان درگیر دریایی عراق را منهدم نمایند و سرانجام پس از ساعت‌ها نبرد بی‌امان، هنگام ظهر در حالی که دلاورمردان نیروی دریایی خلیج فارس آخرین گلوله‌های خود را به سوی دشمن متجاوز نشانه می‌رفتند، ناوچه پیکان مورد اصابت چند موشک عراقی قرار گرفت و با پرسنل غیور خود در شمال خلیج فارس، در دل آبهای گرم و نیلگون آن جای گرفت و صفحه زرین دیگری بر تاریخ نبردهای دریایی کشور افزوده شد.

امام خمینی (ره) در پیامی به مناسبت پیروزی در عملیات دریایی مروارید فرمودند: «... رویارویی نیروی دریایی ارتش با دشمن و آن همه افتخارات رزم، رشادت، شهامت و شهادت نشانه‌ای از اقتدار و اعتبار این نیروی بزرگ و سرافراز است...»

در واقع عملیات دریایی «مروارید» سرآغاز تحولی عظیم در صنعت نیروی دریایی ایران شد؛ خروج کشتی‌ها از منطقه خلیج فارس با حراست و ضریب ایمنی بالا، تعمیر بیش

معصومه احمدی دانشجوی دانشگاه الزهرا (س)

تاریخ جانفشانی‌های دلیرمردمان ایران و پیشرو بودن آنان در زمینه‌سازی برای پیروزی در تاریخ ثبت و ضبط شده است.

حرکت هوشمندانه و بصیرانه مردم در دفاع از نهضت امام خمینی (ره) و لبیک بهنگام آنان در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، گواهی بخش این پیروزی هاست. در همین راستا نشریه دانشجویی «حماسه» جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) در تلاش است در کنار مطالب ارائه شده، همچنین بیاس قدرانی و امیدآفرینی‌های این دلاوران غیورمند ایرانی در هر شماره به گوشه‌ای از حماسه‌های تاریخ پهناور ایران عزیزمان از دیروز تا به امروز بپردازد.

هجوم وحشیانه و گسترده رژیم بعث عراق در آخرین روز شهریور ۱۳۵۹، حادثه‌ای بزرگ را در تاریخ انقلاب اسلامی به ثبت رساند که سرانجام به خلق حماسه‌ای جاودان و حیرت‌انگیز در تاریخ سرزمین ایران انجامید.

نیروی دریایی ارتش ایران پس از گذشت دو ماه از شروع جنگ تحمیلی طی یک عملیات تهاجمی گسترده در تاریخ ۷ آذر ۵۹ ضربه‌های سنگینی به نیروهای عراقی وارد کرد تا جایی که صدام حسین در روز ۳۰ نوامبر (۱۰ آذر ۵۹) در جلسه‌ای با حضور فرماندهان جنگی در دفتر کارش به مسؤولان حمله



برقراری روابط ایران و برزیل بود.

ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش پس از توقف چند روزه در ریودوژانیرو، با عبور از عرض اقیانوس اطلس در شهر کیپ‌تاون آفریقای جنوبی پهلوگیری کرد و در این شهر نیز چند روزی توقف کرد.

بندر صلاله عمان آخرین ایستگاه ناوگروه ۸۶ نداجا پیش از رسیدن به ایران بود و دریادلان ایرانی پس از جدا شدن از اسکله صلاله به سمت کشورمان حرکت کرده تا نهایتاً با طی حدود ۲ هزار کیلومتر مسیر باقی‌مانده در بندرعباس پهلوگیری کنند.

مجموع مسیر طی‌شده توسط ناوگروه ۸۶ نداجا تاکنون حدود ۶۳ هزار کیلومتر بوده و این ناوگروه تاکنون ۴ بار از خط استوا عبور کرده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای فرمانده کل قوا در پیامی از موفقیت بزرگ ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش در دریانوردی به دور کره زمین، تجلیل کردند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

به دلایر مردان ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دریانوردی بزرگ و موفقیت آمیزشان را تبریک می‌گویم. عزیزان! به خانه خوش آمدید؛ موفق باشید.

سیدعلی خامنه‌ای

۳۰/۲/۱۴۰۲

از ۹۰٪ از تجهیزات مدرن و سامانه‌های پیچیده ناوها، ناوشکن‌ها و سایر شناورها به دست توانای متخصصین، به خودکفایی صددرصد نیروی دریایی انجامید در نهایت در دوران سازندگی نیز این امر به اوج خود رسید و مراکز آموزش عالی و مجتمع‌های دانشگاهی این نیرو هم‌اکنون به عنوان مدرن‌ترین و مجهزترین مراکز علمی - دریایی خاورمیانه شناخته شده است.

خودکفایی که حماسه امروز ناوگروه ۸۶ را به ارمغان آورد.

ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش که به نام ناوگروه ۳۶۰ نیز شناخته می‌شود از ۲۹ شهریور سال ۱۴۰۱ به ماموریت دریانوردی دور کره زمین اعزام شده و صبح روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ وارد آب‌های سرزمینی کشورمان شد.

ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش پس از اعزام به ماموریت دور کره زمین از مبدأ بندرعباس، در نخستین ایستگاه در بندر بمبئی هند توقف کرد و سپس با عبور از خلیج بنگال و تنگه مالاگا در جاکارتا پایتخت اندونزی پهلو گرفت.

پس از این توقف ناوگروه با ادامه مسیر به سمت دریای جاوه و عبور از تنگه مکاسار و دریای سلیس، برای نخستین بار در تاریخ دریانوردی نظامی ایران پا به عرصه وسیع و پهناور اقیانوس آرام گذاشت و با عبور از بیشترین عرض اقیانوس آرام و گذر از کنار جزایر میکرونزی و پولینزی به سمت تنگه ماژلان در جنوب قاره آمریکا حرکت کرد و با عبور از این تنگه وارد اقیانوس اطلس جنوبی شد و سپس با حرکت به سمت شمال و عبور از سواحل شیلی، آرژانتین، اروگوئه و برزیل، نهایتاً در بندر ریودوژانیرو برزیل پهلوگیری کرد که این پهلوگیری مصادف با یکصدویستمین سالگرد

فردای دخترونه



مهتا سادات طباطبایی - دانشجوی دانشگاه الزهرا (س)

به دنیا نشان دهیم. ما دختران امروز، همسران و مادران آینده در کنار تحصیل، زیر سایه پرچم ضامن آهوپی که روز ولادتش میزبان او در دانشگاه بودیم و در کنار دو شهید عهد می بندیم که حماسه ای بسازیم فراموش نشدنی. با قلم نمایش دهیم آنچه را که نمی توان گفت و یادآور شویم آنچه را که باید به خاطر سپرد.

زن ایرانی کیست؟!

اصلا اسلام چه حرف هایی با این موجود ظریف، لطیف و پر احساس دارد؟!

زن که ستون اصلی خانواده است چگونه می تواند نوری باشد برای فرزندان این مرز و بوم؟!

آمدیم تا هویت زن، حقوق او، وظایف و نقش او را در خانواده و جامعه بازگو کنیم و بگوییم که او می تواند در یک زمان دختر، محصل، همسر و حتی مادر باشد و در اجتماع نیز نقش آفرینی کند. این است هنر یک زن بالغ.

در نشریه به دنبال تصمیم گیری درست و راه چاره برای مشکلات هستیم. ما گرد هم آمدیم در یک جمع دوستانه، در جمع نویسندگان ره نشان، در نشریه حماسه. آری ما همان حماسه سازانی هستیم که سخن از جان می گوییم. امید است صاحب عصر نیز از ما خوشنود باشد.

به یاد داشته باش کلمات ممکن است الهام بخش باشند اما این عمل است که تغییر ایجاد می کند.

آدم موفق کسی است که با آجرهایی که دیگران به سمتش پرتاب می کنند یک پایه ساختمانی محکم می سازد.

به نام دوست گشاییم دفتر دل را
به فر عشق فروزان کنیم محفل را

برخی می گویند کاش تاریخ را اینها می نوشتند؛ دختران را می گوییم. آن وقت تاریخی لطیف تر، خوش آهنگ تر، آرام تر و شیرین تر داشتیم. قلم را که به دست دختر دهی حکایت عشق را زیبا می شنوی. آنها اصلاً هنرمند به دنیا می آیند، یک تابلوی بی نظیر که نقاش اش حتماً در حال خود نبوده که آن ها را این گونه بی محابا زیبا کشیده. هنرمندی که الهام بخش هر صفحه از کتاب است. اینجا محفل دختران ایران زمین است که به پشتوانه احساسات خویش و با توکل به بانویی که دانشگاه را منور به نام خود کرده و با امید به دعای برادرانی که در همین حوالی آرمیده اند قلم بدست گرفته تا بازگو کننده اتفاقات گاه تلخ و شیرین باشند. قلم که به تحریر درآید سرنوشت ساز می شود؛ گاه به پیکار با گذشته می رود و گاه چاره ای می شود برای آینده.

اینجا نیز می خواهیم سرنوشت خود را به بهترین نحو رقم بزنیم. آمدیم تا بگوییم از تجربیات، از پندها و از درد و دل ها...

برای ساختن آینده باید کاری کرد. الگوبرداری کرد و آنرا به تحریر در آورد. می خواهیم بنویسیم تا به جهانیان ثابت شود بانوی ایرانی خانه نشین نیست بلکه هویت عزت ایران است. دست به دست هم می دهیم تا هویت خود را پیدا کرده و آنچه را که فراموش شده نه تنها به خود بلکه

سوی بابا آمده

میرسم بپای دل من روبروی کعبت
 من تنفس میکنم تنه‌به عشق مشدت
 بغض و دلگشایی میان کوله بار آورده ام
 من پناه آورده ام آقا به لطف بی حدت :)
 یک هزار و یک دفعه کفتم علی موسی الرضا
 اعتقاد را سخنی دارم به رمز بجدت
 با همه تاریکی ام در محضرت حاضر شدم
 تا بگیرم توشه ای از نور سبز مقدت :)
 نام تو شمس الشمس و گرمی قلب جهان
 غرق باران قلم اما از نگاه مدت...
 این شب جمعه که رفتی کربلا یادم بکن
 موقع عرض ادب کردن به جد بجدت...
 من دلم تنگ و جهان تنگ و تو دور از ناخوشی :)
 چون که از سمت رسیدنیکوست این دست روت :)))
 ماه تومی و تومی در شب ظلمت زده!
 میکشد دل را خراسان جذبه بی جزر و مدت :)
 سوی تو قلم دویده محکم آغوشش بگیر
 سوی بابا آمده نامم همان طفل بدت...
 فاطمه قدچی

فاطمه قدچی



جایگاه دختران در آیات و روایات

زهرا شکری - کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س)

هر که دختری داشته باشد و خوب تربیتش کند او را به خوبی دانش بیاموزد و از نعمتهایی که خداوند به او عطا کرده به وفور بهره مندش سازد، آن دختر، سپر و پوشش پدر در برابر آتش دوزخ خواهد بود. همچنین به نقل از بحارالانوار رسول خدا در جایی دیگر می فرماید:

مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ ، وَلْيَبْدَأْ بِالْأُنثَى قَبْلَ الذَّكَورِ. (۵)

هر کس وارد بازار شود و هدیه‌ای بخرد و آن را برای خانواده خود ببرد ، همانند کسی است که برای گروهی نیازمند صدقه‌ای بَرَد و بایسد (دادن هدیه را) از دختران شروع کند.

توصیف دختران از منظر امام صادق(ع)

امام صادق (ع) نیز اهمیت ویژه ای برای مقام دختر قائل بودند و روایات متعددی از ایشان نقل شده که به دو مورد بسنده می کنیم.

الْبَنُونَ نَعِيمٌ وَالْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ ، وَاللَّهُ يُسْأَلُ عَنِ النَّعِيمِ وَيُثِيبُ عَلَى الْحَسَنَاتِ . (۶)

پسران نعمت اند و دختران حسنه، و خداوند از نعمت‌ها بازخواست می کند و برای حسنات پاداش می دهد.

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) نیز آمده که فردی از یاران امام جعفر صادق (ع) دختردار شد، حضرت نزد او رفت، دید خشمگین است، فرمود: اگر خداوند به تو وحی کند که آیا می خواهی چیزی را من برای تو انتخاب کنم یا تو برای خودت انتخاب می کنی؟ چه پاسخ می دهی؟

در فرهنگ اهل بیت (ع) که ریشه در وحی و کلام الهی دارد، زنان و دختران از جایگاه خاصی برخوردارند و تعابیر زیبا و بلندی که برای دختران به کار گرفته شده است، حاکی از این موضوع است.

در سخنان معصومان(ع) از دختران با واژه هایی چون، ریحانه (گل)(۱)، قواریر (بلورها)، و حسنه (نیکی) یاد شده است؛ که هر یک، نشان از امتیاز و ویژگی خاصّ طبیعی و روحی دختران دارد.

دخترداری از نظر رسول خدا(ص)

از رسول خدا حضرت محمد(ص) نقل شده که فرموده اند: «نِعْمَ الْوَالِدُ الْبَنَاتِ مُلَطَّفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُؤَمِّنَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَّاتٌ»؛ (۲)

دختران چه فرزندان خوبی هستند؛ با لطافت و مهربان، آماده به خدمت رسانی، یار و غمخوار [اعضای خانواده]، با برکت و پاکیزه کننده [در خانواده برای پدر و مادر].

در روایتی دیگر آمده است :

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْأُنثَى أَرْقٌ مِنْهُ عَلَى الذَّكَورِ»؛ (۳)

خداوند متعال بر دختران مهربان تر است تا پسران.

در کتاب میزان الحکمه نیز از رسول خدا آمده:

مَنْ كَانَتْ لَهٗ ابْنَةٌ فَأَدَّبَهَا وَأَحْسَنَ أَدَبَهَا ، وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا ؛ فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعْمِ اللَّهِ الَّتِي أَسْبَغَ عَلَيْهَا ، كَانَتْ لَهٗ مَنَعَةٌ وَسِتْرًا مِنَ النَّارِ . (۴)



در مواجهه با دیگر چوپانان و آب دهی به گوسفندان نشان داده بود، دارای رفتاری درست می باشد و فردی امین می باشد. آنان در یک گفت و گوی کوتاه و برخوردی ساده دریافته بودند که حضرت موسی(ع) انسانی امین می باشد. در سوره نحل نیز به دفاع از شخصیت و حقوق دختران پرداخته و به شدت کسانی که از شنیدن دختردار شدن خویش چهره کبود و دگرگون می سازند را سرزنش می کند که این چگونه رفتار زشت و زننده ای است که در پیش می گیرند؟ دختران همانند پسران هستند و از نظر خداوند تفاوتی در میان ایشان نیست. بنابراین نباید از شنیدن دخترداری رو سیاه کنند و خشمناک گردند و از مردم به جهت این خبر بگریزد و متواری شود و با خود اندیشد که آیا با خواری او را ننگه دارد و یا زنده در گور و خاک کند؟

این چه حکم و اندیشه زشت و ناپسندی است؟ خداوند در آیات ۸ تا ۴۱ سوره تکویر رفتار زشت اعراب جاهلی را به نقد می کشد و از این که خود را صاحب جان دختران می شمارند و به خود حق می دهند که آنان را بکشند و زنده به گور کنند مورد سرزنش قرار می دهد و می پرسد که جان دختران و حق حیات دختران از آن خداست که ایشان را آفریده و جان داده است و کسی را نرسد که این حق را از ایشان سلب کند و جانشان را بگیرد. آن گاه می پرسد که این دختران را به چه گناهی می کشند؟ در حقیقت از نگاه قرآن دختر بودن با پسر بودن یکی است و ویژگی دختری موجب نمی شود که مستحق مرگ شود. این در حالی است که اعراب برای دختران و زنان حق حیات قائل نبوده اند و خداوند با چنین سرزنش و سخنان عتاب آمیز می کوشد تا جایگاه دختران را در نظام آفرینش تثبیت کند و زمینه های احترام و بزرگداشت دختران را فراهم آورد.

آن مرد گفت: به خدا عرض می کنم: آنچه را تو برایم بیسندی و انتخاب کنی، می پسندم. امام صادق (ع) فرمود: اکنون خداوند فرزند دختر را برای تو انتخاب کرده است. سپس فرمود: آن عالم و ولی خدا (خضر علیه السلام) که همراه موسی (ع) بود و آن پسر بچه را کشت، خداوند از قول او فرمود: ما آن پسر را کشتیم چرا که بیم آن بود پدر و مادرش را به طغیان و کفر وادارد، از این رو خواستیم پروردگارشان به جای او فرزندی پاک تر و با محبت تر به آن پدر و مادر بدهد.

امام صادق(ع) در ادامه فرمود: خداوند به آن دو، دختری عنایت کرد که از او و نسل وی هفتاد پیامبر به دنیا آمدند. در اسلام و قرآن احترام به دختر به عنوان یک ویژگی انسانی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. احترام به دختر می بایست به گونه ای باشد که در عمل خود را نشان دهد. از این روست که در آموزه های قرآنی این احترام به شکل عملی نشان داده می شود و تنها در حرف و شعار بسنده نمی شود. احترام به شخص به معنای احترام به عقل و هوش اوست و این که از پیشنهادها و آرا و نظریات وی استفاده شود.

در داستانی که قرآن درباره دختران شعیب اشاره می کند، شیوه درست برخورد با دختران به روشنی تبیین می گردد و احترام واقعی و عملی نشان داده می شود. حضرت شعیب (ع) هنگامی که با پیشنهاد به کارگیری حضرت موسی (ع) به دلیل قدرت بدنی و امانت از سوی دختران رو به رو می شود، آن را می پذیرد و نشان می دهد که مشاوره با دختران و زنان هنگامی که با دلیل و برهان همراه باشد نه تنها نادرست نیست بلکه امری درست و راست می باشد. دختران شعیب (ع) به جهت تیزهوشی دریافته بودند که حضرت موسی (ع) شخصی افزون بر قدرت و قوت بدنی که



زندگی یک دانشجوی خارجی در ایران

نور زهرا - دانشجوی بین الملل دانشگاه الزهرا (س)

را انجام بدهید. یا به آنها بگویید که برای شما یک نفر را پیدا کنند که زبان شما یا انگلیسی بلد باشد. بعد از کار خوابگاه کار اقامت انجام دادم با کمک امور دانشجویان بین الملل دانشگاه و خدا را که آنها انگلیسی بلد بودند. اما واقعا زندگی یک دانشجوی خارجی در ایران خیلی سخت است. اگر شما واقعا می خواهید در یکی از دانشگاه های ایران درس بخوانید من یک نصیحت می کنم که هر وقت دیدید که مشکل پیدا کردید زود با امور دانشجویان بین الملل دانشگاه مراجعه کنید چون آنها درست راه حل به شما می گویند.

بعد از یک، دوم ماه کلاس فارسی را من شروع کردم و خدا را شکر خیلی استاد دوست داشتنی و خوب داشتم. به من خیلی کمک کردند که من زود یاد بگیرم و دوره های زبان فارسی را در شش ماه تمام کردم و وسط این خیلی دوست ها پیدا کردم و جای دیدنی هم رفتم. بعد از یاد گرفتن زبان فارسی درس دانشگاه من شروع شد. من اصلا کار اداری دانشگاه بلد نبودم و اون موقع برای من خیلی سخت بود اصلا خبر نداشتم که نامه چی هست که باید تایید بشود. ولی با کمک یک دوست افغانستانی آنها را هم دیگه انجام دادم. وقتی کلاس ها شروع شدن و من چون چادر می پوشیدم و با هیچ کسی صحبت نمی کردم همه فکر کردن ایرانی هستم یعنی اینجا طرز پوشیدن لباس هم خیلی چیز مهم هست. چون من را ایرانی فکر کردن خیلی برای من مشکل ها پیدا شدند. آن روزها چند تا بچه ها در

هر تجربه، خاطرات بد و خوب دارد. تجربه من هم در یکی از دانشگاه های ایران هم خاطرات بد و هم خاطرات خوب داشت. قبل از این که ایران بیام خیلی چیزها در مورد ایران شنیده بودم که ایران یک کشور خیلی مذهبی است و آنجا قوانین خیلی سخت هستند حتی درس هم خیلی سخته و غیره. خوب وقتی که آمدم ایران با دانشگاه هم آهنگ کرد بودم و چون هیچ کسی را ندارم در ایران و آن موقع فارسی هم بلد نبودم برای من یک راننده را فرستادن که من را می رساند به خوابگاه دانشگاه. شب ساعت ۱۲ رسیدم خوابگاه و مسول شب دیدن که خیلی خسته هستم زود برای من یک اتاق مشخص کردن و من هم رفتم استراحت کردم. روز دوم جمعه بود دانشگاه تعطیل بود و این برای من خیلی جالب بود که در ایران روزهای تعطیلات پنج شنبه و جمعه هست چون در کشور ما همیشه روز شنبه و یک شنبه تعطیل هست. روز سوم من هم رفتم کار خوابگاه را انجام دادم و با کل سختی ها چون فارسی بلد نبودم اما خدا را شکر در خوابگاه یک دختر افغانستانی را پیدا کردم و آن بنده خدا خیلی کمک کردن به من وقتی که من نه زبان ایشان را بلد بودم و نه آنها زبان انگلیسی اما خدا را شکر کار من راه افتاد. پس باید وقتی می خواهید بیاید ایران باید فارسی بلد باشید یا یک آشنا داشته باشید این کارها را بلد باشه یا قبل از بیاید از دانشگاه بپرسید که کدام کارهای اداری



و یاد می داند . اما این می گویم که هر کسی اگر علاقه دارد بیاد در ایران درس بخواند باید بورسیه بگیرد مهم نیست که از طرف دانشگاه باشه یا از طرف سازمان امور دانشجویان بین المللی چون برای یک دانشجو که اصلا کار هم نمی کند خیلی سخت هست و اگر تهران باشه که خیلی سخت تر است .

ولی من خیلی خوشحالم که من در یک کشور مثل ایران درس می خوانم . بله خاطرات بدی هم دارم از اینجا اما هر جایی شما می روید خاطرات بدی هم به شما می دهد . به نظر من که یک درس که من اینجا یاد گرفتم این بود که یک دختر می تواند تنها در کشور مثل ایران که زنان و دختر ها خیلی حقوق می دهد ، می تواند زندگی کند حتا اگر آن کشور برای ایشان غریب باشد ، می تواند آنجا درس بخواند ، مسافرت کند و پیشرفت کند .

دانشگاه اعتراضات میکردم و به ما می گفتند که اصلا سر کلاس ها نروید اما آخر یک روز من هم خسته شدم و به ایشان گفتم که دانشجوی خارجی هستم اینجا آمدم که درس بخوانم و هیچ کاری با این چیزها ندارم . آخر این روز هم ما گذاشتیم و یکی از تلخ ترین خاطرات من می ماند اما فکر کنم اگر این چیزها نبودن این زمان هم برای من خیلی خوش می گذاشت .

یک از بزرگ ترین مشکل که من برخورد شدم این که همه درس های من در زبان فارسی بودند و من سر کلاس ها بعضی چیزها را متوجه نمی شدم اما آخر رفتم با استاد ها صحبت کردم و آنها هم خیلی مهربان بودن . در چند تا جلسه ها که می دیدم من متوجه نمی شوم به من در زبان انگلیسی توضیح می داند و چیزها که بلد نبودم چون رشته من هنری بود به من کمک می کردن



آخر ترمی

نرجس رضوانی نیا - دانشجوی دانشگاه الزهراء (س)

اصلاً نگم براتون.. تو ایام امتحانات، مو به مو میفتم به فکر روانشناسی موفقیت و برنامه ریزی برای زندگی..!
اصلاً باید باشگاه اسم بنویسم.. این چیه ورزش نمیکنم.. من عشق هنرم، عشق موسیقی، نقاشی.. نمیدونم چرا دنبالش نمیکنم؟؟ باید از فردا تمرین کنم..
راستی چرا نمیشینم خاطره نویسی کنم؟ کل ایام زندگی از دوران مهدکودک با وضوح فول میفته تو خاطرتم.. خب حیف نیست اینا رو یادداشت نکنم؟!
اصلاً باید به خانواده کمک کنم.. به مادرم.. بنده خدا چرا او هی آشپزی کنه.. آشپزی هم به هنره.. وسایلمو مرتب کنم.. این چیه شلوغ پلوغه.. ای بابا
بنظرم فکرشو که میکنم، اصلاً چه دلیلی داره آدم درس بخونه برای امتحانات؟؟ تا این همه کار مهم مونده رو میزن.. خلاصه که آسمون بیاد زمین.. ما دانشجوها، تا نشه فرجه امتحانات و تا نشه شب امتحان درس بخون نیستیم.. تا بوده همین بوده و تا هست همین هست..
برای شفای عاجل ما دانشجوها دعا یادتون نره..
با آرزوی اینکه امتحاناتتون پر از نمره های خوب و بدون تقلب باشه، شما رو به خدای مهربون میسپارم..

زنگ آخر ترم به صدا دراومد و رفتیم به فرجه ها سلام کنیم.. انقدر در طول ترم درس خوندم که حداقل چند روزی فرجه لازمه تا خستگیمون دربره.. هر کتاب و هر جزوه رو حداقل ده دور خوندم.. (مدیونید اگر فکر کنید دروغ میگویم)

به منزلمان باز میگردیم از خوابگاه و به خانواده میگوییم نفسمان بریده از بس که درس خوانده ایم.. مادر برایم شربت بیاور که نفس تنگی گرفتم.. پاهایم را ماساژ دهید که کوفته راهم. انقدر بین خوابگاه و سالن مطالعه آمد و رفت نمودم که کوفتگی گرفته ام.
بابا کی گفته فرجه نیازه آخه.. ما دورامونو کردیم. امتحان رو بگیرید و خلاص!!!
(البته ببخشید تا اینجا هرچی گفتم. خواب دیشبمو تعریف کردم براتون..)

ایام فرجه امتحانات نگو، بگو ایام بیچارگی و جزوه ها و کتابهای تا نخورده.. خب یه چیزی؟ ما مگه کار بدی کردیم؟ گفتیم جزوه ها و کتابهامونو تمیز و مرتب و نانخورده نگه داری کنیم! مگه بده؟! ای بابا



جامعه اسلامی دانشجویان
دانشگاه الزهراء سی تهران

دو ماهنامه دانشجویی حماسه - شماره چهارم جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)

